

سال تحصیلی و مسوولیت ما

محمد داوری

وقتی از مسوولیت مشترک سخن به میان می‌آید بی‌تردید نخست سرنوشت مشترک در ذهن تداعی می‌شود و سپس بیش از گذشته و حال، آینده مورد توجه قرار می‌گیرد؛ آینده‌ای که متعلق به نسل‌های بعدی است و در گرو عملکرد نسل فعلی است و به عبارتی فردای نسل‌های آینده را می‌توان در آینه نسل امروز مشاهده کرد. زمانی که از مسوولیت و سرنوشت مشترک حرف می‌زنیم بیش از همه سه مقوله «تربیت، امنیت و سلامت» مهم‌تر جلوه می‌کند و در میان این سه، آنچه که حتی دو مورد دیگر متأثر از آن است مقوله بسیار مهم و حیاتی یعنی «تربیت» است، امری که «حق کودکان و نوجوانان» و «وظیفه و مسوولیت مشترک» همه ما است و هر کس و هر نهاد و دستگاهی در این زمینه کم‌توجهی کند قابل بخشش نیست و باید به نسل امروز و فردا پاسخ بدهد. با این مقدمه به طور حتم این پرسش پیش می‌آید که منظور از این مسوولیت مشترک برای آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان چیست و چه کسانی و چه نهادها و دستگاه‌هایی باید چه نقش‌هایی را ایفا کنند؟ در پاسخ به این پرسش که به نظرم ریشه ناکارآمدی نظام آموزشی ما در همین پرسش نهفته است به اختصار اشاره‌ای خواهم داشت به نکاتی که امیدوارم در سال تحصیلی جدید که برای سومین سال تحصیلی پیاپی بیم آن می‌رود که محدودیت‌ها و محرومیت‌های آموزشی آسیب‌های بیشتر و عمیق‌تری به کودکان و نوجوانان ایران زمین وارد کند، تلنگری باشد برای توجه دادن همگان به این مسوولیت مشترک.

1) حکومت: با توجه به ساختار سیاسی حاکم بر کشور ما و با عنایت به اینکه سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های کلان و جهت‌گیری‌های کلی در نهادهای بالادستی که فراتر از قوای سه‌گانه هستند شکل می‌گیرد و قوه مجریه نیز موظف به حرکت

در راستای آن سیاست‌ها است، انتظار می‌رود در سیاست‌های ابلاغی رهبری و در ریل‌گذاری مجمع تشخیص مصلحت نظام و رویکردهای شورای عالی انقلاب فرهنگی، آموزش و پرورش در اولویت قرار گیرد و تمام دستگاه‌ها و نهادها موظف شوند برای کارآمد نمودن نظام آموزشی نقش‌های زمینه‌ساز و پشتیبان‌کننده و تسهیل‌گر و مکمل خود را ایفا کنند.

2) مجلس و کمیسیون آموزش: بی‌تردید یکی از دلایل ناکارآمدی‌های نظام

آموزشی بسترهای قانونی است که یا قانون‌های محدودیت‌بخش یا خلأهای قانونی یا ضعف نظارت است که به‌طور مستقیم وظیفه نمایندگان مجلس می‌باشد تا با رایه طرح‌ها یا الزام دولت به رایه لایحه برای رفع آن اقدام نماید که متأسفانه تاکنون بیشتر مجالس نسبت به این مهم بی‌توجه یا کم توجه بوده‌اند و این قوه به عنوان یکی از قوای سه‌گانه و سه ضلعی حاکمیت نتوانسته نقش خود را به درستی ایفا کند در حالی که همیشه فریادهای مطالبه‌گرانه خطاب به آنها بوده و هست.

3) رییس‌جمهور و هیات دولت: با توجه به ساختار متمرکز اجرایی و با عنایت به اینکه تا اطلاع ثانوی همه چیز به دولت ختم می‌شود و دولت هم بر محوریت رییس دولت می‌چرخد انتظار می‌رود ایشان همیشه باید موضوع مهم و سرنوشت‌ساز آموزش و پرورش را در ذهن خود داشته و در تمام طرح‌ها و برنامه‌ها پیوستی برای تمام وزارتخانه‌ها برای نقش‌های مکمل در راستای این مسوولیت مشترک داشته باشد، چراکه موفقیت در اقتصاد و اجتماع و فرهنگ و سیاست و موفقیت امروز و فردای ما وابسته به کارآمدی و موفقیت نظام آموزشی ماست و اگر امروز نظام آموزشی ما ناکارآمد است ریشه در اقتصاد و ضعف‌های فرهنگی و ناکارآمدی‌های سیاسی و اجتماعی دارد که باید در دستور کار دولت و اتاق فکر قوه مجریه قرار گیرد و کمتر جلسه هیات دولت باشد که از آموزش و پرورش سخن به میان نیاید و در همین راستا شورای عالی آموزش و پرورش با حضور رییس دولت باید فعال‌تر و موثرتر عمل کند.

4) وزیر و نیروهای ستادی: به ازای هر سه معلمی که در کلاس و مدرسه و در صف مقدم ایفای نقش می‌کند یک نفر نیروی ستادی از وزیر گرفته تا سایر نیروهای اداری در 32 اداره کل و بیش از 700 منطقه مسوولیت پشتیبانی و نظارتی را برعهده دارند و این افراد در زمینه‌های اداری و مالی و امکانات و تجهیزات باید تامین‌کننده نیازهای مدارس بوده و در جایگاه کارشناس، ناظر بر عملکرد نیروهای شاغل در مدارس باشند و در این راستا تسهیل‌گر و پشتیبان باشند نه محدودکننده و مانع حرکت‌های نوآورانه. لذا رویکردهای سنتی و غیرحرفه‌ای و تحکم‌آمیز باید کنار گذاشته شود و با عملیاتی کردن مدرسه‌محوری برای کارآمدی نظام آموزشی نقش خود را در راستای این مسوولیت مشترک به درستی ایفا کنند.

5) مدیر و کادر اجرایی مدرسه: تمام آنچه که انتظار داریم در کانون مدرسه باید اتفاق بیفتد لذا در مدارس نقش محوری به عنوان واسطه نیروهای ستادی توسط مدیر و کادر اجرایی مدرسه قابل تحقق است و مدرسه محوری در صورتی عملی می‌شود که مدیر مدرسه نیز نقش خود را به درستی ایفا کند تا ظرفیت‌های اولیا و معلمان و مربیان برای تحقق اهداف آموزشی و پرورشی حداکثر کارایی خود را داشته باشند که

در این راستا نخست انتخاب مدیران خوشفکر و توانمند و سپس انتخاب کادر اجرایی کارآمد می‌تواند امیدبخش باشد تا کانون مدرسه تبلور بخش پویایی و کارآمدی باشد.

6) معلمان و مربیان: در پنج بخش پیشین از هرچه گفتیم همه نقش‌های زمینه‌ساز و تسهیلگر و پشتیبان بود برای اینکه معلمان و مربیان نقش اصلی را به درستی ایفا کنند. نقشی که در این راستا مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش است تا در ارتباط با دانش‌آموزان که همه نگرانی‌ها برای توانمندسازی آنها است بتوان موفق عمل کرد و کودکان و نوجوانان در تعامل اثربخش و در فرآیند یاددهی و یادگیری ظرفیت‌های وجودی خویش را شکوفا سازند و در این مسوولیت مشترک معلمان و مربیان علی‌رغم مشکلاتی که دارند باید از ایفای نقش خود ضمن مطالبه‌گری صنفی غافل نباشند.

7) پدران و مادران: متأسفانه یکی از پیامدهای ناکارآمدی نظام آموزشی ناامیدی والدین و انزوای آنهاست که باعث شده ما صدای مطالبه‌گرانه‌ای از آنها نشنویم و حضور چندانی از ایفای نقش آنها در مدارس نداشته باشیم. این ناامیدی و انزوا که معلول ناکارآمدی است خود عاملی شده برای استمرار و گسترش ناکارآمدی، لذا در راستای مسوولیت مشترک، والدین نخست در قالب همین ساختار موجود و در بستر قانونی انجمن‌های اولیا و مربیان که آنها را در بالاترین رکن مدرسه قرار می‌دهند باید نقش مطالبه‌گرانه و حمایتی و نظارتی خود را ایفا کنند و تا زمانی که این نیروی عظیم یعنی به ازای هر دانش‌آموز دو نفر مادر و پدر فعال نشوند، نمی‌شود انتظار داشت مدارس کارآمد شود.

8) اساتید و دانشگاه‌ها: بی‌تفاوتی و بی‌مسوولیتی این نهاد علمی به ویژه دانشکده‌ها و اساتید مرتبط با حوزه علوم تربیتی که پرشمار هم هستند تأسف‌بار است و نمی‌دانیم این سکوت تا کی می‌خواهد ادامه یابد؟! و نمی‌دانیم کارکرد این اساتید و دانشجویان اگر ابراز نظر و ایفای نقش در حوزه آموزش و پرورش نیست پس چیست؟! لذا انتظار می‌رود دانشگاه ارتباط با مدرسه را به عنوان یک مطالبه حرفه‌ای و یک مسوولیت علمی و اخلاقی خود طرح و اجرایی کند اگر دیوار بلند میان مدرسه و دانشگاه روزه‌روز بلندتر شود اساتید و دانشجویان حوزه علوم تربیتی از واقعیت‌های مدرسه بی‌خبر و مدارس هم از دستاوردهای علمی دانشگاه بی‌بهره خواهند شد.

9) رسانه‌ها: در صدا و سیما و رسانه‌های مختلف دولتی و غیردولتی از همه‌چیز سخن به میان می‌آید و تولد گوساله دو سر تیترا خبرها و گزارش‌ها می‌شود اما در آغاز سال تحصیلی و در روز دانش‌آموز و معلم یا هفته پیوند اولیا و مربیان و سایر مناسبت‌ها و بهانه‌هایی که

مي‌تواند فرصتي باشد براي توجه دادن افکار عمومي متاسفانه بيشتر رسانه‌ها اهميتي نمي‌دهند و تيرتر موضوعات آنها چيزهايي است که نه تنها تربيت بلکه سلامت و امنيت را هم در اولويت خود نمي‌داند و اين بي‌توجهي و کم‌توجهي رسانه‌اي يا بدسليقه‌هايي در اين زمينه تاسفبار است که البته عملکرد محدود رسانه‌ها در اين راستا جاي تحسين دارد و اميد مي‌رود در راستاي اين مسووليت مشترک رسانه‌ها بيش از گذشته به مقوله آموزش و پرورش توجه داشته باشند.

10) کارشناسان و فعالان حوزه آموزش و پرورش و تشکلهای علمي: در ميان همه گروه‌هايي که در اين مسووليت مشترک مورد توجه قرار گرفت شايد به نسبت بايد از فعالان صنفی و رسانه‌اي تحسين شود که در سکوت و انزوای آن دسته از افراد و نهادها و دستگاه‌ها که مي‌توانند در اين مسووليت مشترک نقش موثري ايفا کنند حضور مسوولانه و منتقدانه فعالان رسانه‌اي و صنفی قابل تحسين است اما انتظار مي‌رود اين دسته نيز علمي‌تر و حرفه‌اي‌تر و منسجم و مستمر نقش خود را ايفا کنند.